

امنیت اجتماعی و ارائه الگوی سنجش آن

دکتر حمید امانت^۱

۹۰/۴/۱۹

تاریخ دریافت:

۹۰/۶/۳۰

تاریخ پذیرش:

چکیده

امنیت یکی از مسائل اساسی مطالعات اجتماعی و بنیان روابط اجتماعی محسوب می شود و این در حالی است که در حوزه جامعه شناختی خصوصاً در جامعه شناختی اثبات گرا، که تاکید بر حفظ نظم هنجاری و قانونی دارد، کمتر به مفهوم امنیت توجه شده است. لذا در این مقاله برای تحلیل امنیت اجتماعی از نظریه اثباتی دور کیم استفاده شده است. دور کیم مسئله نظم هنجاری و ثبات اجتماعی را با مؤلفه های همبستگی و تعاون اجتماعی گره زده و نقش ارزش ها و باورهای جمعی را بنیاد امنیت فرض کرده است. به نظر می رسد در باز اندیشی نظریه دور کیم چهار نوع امنیت تضادی، رقابتی، تعاونی و وحدتی وجود دارد که هر یک به تبع ماهیت شان در دو سنخ اصلی امنیت، یعنی امنیت سطحی (رویین) و امنیت بطنی (زیرین) طبقه بندی می شوند. علاوه بر این مبنای روش شناختی دور کیم به این مسئله توجه دارد که شدت هر نوع تخطی از نظم هنجاری وابسته به مجازاتی است که در وجدان جمعی تعریف شده است و قواعد حقوقی مستندترین ابزار برای تعیین اهمیت وضعیت نابسامانی اجتماعی است. در این نوشتار، طبق رای دور کیم سعی شده است تا امکان سنجش شدت ناامنی اجتماعی را بر اساس «فراوانی وقوع رخداد و اهمیت رخداد» فراهم آورده و متذکر شود صرفاً استفاده از رویکرد فراوانی جهت سنجش ناامنی ناقص بوده و تحلیل نادرستی را از سطح و شدت امنیت بدست می دهد. بدین منظور از روش تحقیق پیمایشی با جهت گیری مصاحبه کتبی توصیفی استفاده شده است و نتایج بدست آمده نشان می دهد بین وضعیت ناامنی بر اساس فراوانی رخدادهای ناامن کننده با مقادیری که بر اساس فراوانی و اهمیت رخدادهای مذکور محاسبه شده تفاوت وجود دارد و نشان داده می شود که احتمالاً باید در تحلیل شرایط ناامنی علاوه بر تعداد یا فراوانی رخداد، از شاخص اهمیت رخداد استفاده کرد.

بیان مساله

به کارگیری واژه امنیت دارای یک تاریخ طولانی است که ریشه آن به قدمت تاریخ بشر است. این واژه توسط سیسرو^۱ و لاکرتیوس^۲ به یک حالت روان شناختی و فلسفی ذهنی یا احساس درونی آزاد شدن از حزن و اندوه تعریف شده و بعدها در تاریخ سلطه رومیان به عنوان یک مفهوم سیاسی رویکردی سیاسی به خود گرفت. در تفکر سیاسی غرب، امنیت به معنای «اطمینان» و مفهوم سیاسی آزادی لیبرالی پیوند خورده است طی قرن های هفدهم و هجدهم به عقیده کافمن (۱۹۷۰) مفهوم امنیت یک مفهوم هنجاری بود که با توسعه رفاه اجتماعی^۳، رفاه عمومی^۴ و خیر همگانی^۵ هم معنا شده و ملاک مناسبی برای هدایت اجتماعی^۶ گردید (Gunter Brauch, and Bogardi, ۲۰۰۵: ۷-۸). در شرایط حاضر، مفهوم امنیت در علوم اجتماعی (جامعه شناسی)، مفهوم معلق و به نظر آرت^۷، متغیرو دارای معانی متنوعی است اگر چه به طور خاص مرتبط با نظام ارزش های اجتماعی (و فردی) تلقی شده است. در سال ۱۹۹۱ باری بوزان^۸ اولین بار در حوزه سیاسی از واژه امنیت اجتماعی^۹ (امنیت جامعوی) استفاده کرد و آن را به منزله یکی از ابعاد پنج گانه امنیت در نظر گرفت. او جامعه را زمینه ای برای امنیت اجتماعی می داند که قادر است امنیت دولت را تهدید نماید. (Ibid: ۱-۸) و یور^{۱۰} موضوع امنیت دولت و امنیت اجتماعی را از یکدیگر متمایز می کند و مسئله امنیت اجتماعی را هم سو با نظر بوزان، هویت می داند. اگر چه رویکرد آنان، عمدتاً توضیح پدیده مهاجرت بیگانگان به داخل کشورهای اروپایی است و تغییرات زبانی، قومی، نژادی، مذهبی، آداب و رسوم و حتی نظام های سیاسی را کانون توجه قرار داده، اما بار سیاسی مفهوم کماکان حفظ شده است (Ole, weaver, ۱۹۹۳: ۱۷-۴۰).

این مقاله در صدد است بر اساس دیدگاه کارکردگرایی ساختی دورکیم در مرحله اول، مفهوم شناسی امنیت جامعوی (امنیت اجتماعی) را ارائه کند و در مرحله دوم، به چگونگی

- 1- Cicero
- 2- Lucretius
- 3- Social Welfare
- 4- Common Welfare
- 5- Public Good
- 6- Social Streering
- 7- Art
- 8- Barry Buzan
- 9- Societal Security
- 10- Ole Weaver

سنجش امنیت اجتماعی پردازد. اما مسئله مهمی که وجود دارد آن است که امنیت بر مبنای چه روشی اندازه گیری شود؟ به طور معمول برای اندازه گیری ناامنی اجتماعی نمرات فراوانی رخدادها (رویکرد فراوانی) مورد استفاده قرار گرفته است. رویکرد فراوانی با استناد به طیفی از رخدادهای ناامن کننده به طور مثال از تظاهرات و اغتشاشات تا قاچاق مواد و سرقت های کوچک و یا مسلحانه که براساس تعداد محاسبه شده به بررسی شرایط ناامنی اجتماعی می پردازد در حالی که اشکالات زیادی بر این رویکرد وارد است. یکی این که فراوانی های همسان از واقعه ای خاص در مناطق مختلف گویای سطوح مشابهی از ناامنی نیست. دوم این که فراوانی همسان در مورد وقایع نایکسان به معنای آن نیست که آن وقایع به یک نسبت برابر به امنیت اجتماعی آسیب وارد می کند. سوم این که یک واقعه منفرد با فراوانی برابر در یک منطقه خاص در زمان های مختلف اثرات یکسان در ناامنی اجتماعی ندارند و چهارم این که هر واقعه ای از سهم ویژه ای در تعریف ناامنی برخوردار است و ترکیب فراوانی های وقایع از منطق روش شناسی قابل قبولی برخوردار نیست. بدین وصف، می توان بر این نکته تاکید کرد به طور مشخص ارقام مربوط به فراوانی قابلیت مقایسه و ترکیب با یکدیگر را ندارند و میزان ناامن سازی هر واقعه خاص را باید با توجه به مسائل فوق مشخص کرد.

سؤال های اصلی

- ۱- امنیت جامعه‌ی چیست؟
- ۲- الگوی سنجش شدت ناامنی جامعه‌ی چیست؟

ضرورت تحقیق

- ۱- یکی از مهم ترین ضرورت های طرح مسئله، ناهمخوانی نظریه امنیت اجتماعی در جامعه غربی با شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی است.
- ۲- در ادبیات علمی ایران به مسئله نظریه پرداززی امنیت اجتماعی توجه نشده و در اغلب

1- Societal Security

دورکیم ضمن آن که مفهوم امنیت را در مدل نظری خود به طور مشخص نیاورده، تفاوتی هم بین امنیت جامعه‌ی و امنیت اجتماعی قائل نشده است. اما به نظر می رسد او به طور ضمنی در توضیح انواع جوامع، به نوعی تفکیک بین امنیت اجتماعی (جامعه‌ی) و امنیت عمومی قائل است که در بحث های آتی، در قالب عبارت «به نظر می رسد» به آن اشاره می شود.

تحقیقات اجتماعی، امنیت اجتماعی را محدود به امنیت عمومی^۱ دانسته و یا آن که مفهوم امنیت اجتماعی را به امنیت گروه های اجتماعی نظیر خانواده تقلیل داده اند.

۳- تا کنون در ایران، مفهوم امنیت اجتماعی و حتی مفهوم امنیت ملی که مبنای تجربی بیشتری دارد، مورد سنجش کمی قرار نگرفته اند. لذا ضروری است علاوه بر ارائه معرف ها و شاخص های امنیت اجتماعی، ضریب اهمیت و وزن آن ها تعیین شود.

۴- ضرورت پایانی طرح مسئله بر می گردد به این که تا کنون در حوزه تحقیقات امنیتی داخل کشور، مطالعه ای برای تعیین شدت امنیت و ضد امنیت (عدم امنیت یا ناامنی) انجام نشده است.

اهداف تحقیق

۱- مفهوم سازی امنیت جامعه‌ی با بازاندیشی و بهره گیری از چارچوب نظری کارکردگرای ساختی امیل دورکیم

۲- الگوی سنجش وضعیت شرایط ناامنی اجتماعی

نظریه امیل دورکیم

امنیت اجتماعی

آزادی زاییده قاعده بندی است. چنانچه حوزه های متنوع حیات جمعی از تأثیر تعدیل کننده نظم و قاعده برکنار بمانند تعارض های مستمر و انواع بی نظمی های ناشی از همین نابسامانی مشاهده خواهد شد. آن جا که قاعده ای برای حدود و ثغور فعالیت نیروهای موجود در اجتماعات مشخص نشده، هر کدام از نیروها و اجتماعات مایل هستند بی حد و حصر توسعه یابند و بر یکدیگر غلبه نمایند و همدیگر را از میان بردارند و طبیعی است که نیرومندها، ناتوان ترها را نابود نمایند، در این حالت نمی توان به ایجاد تعادلی پایدار امید داشت. آرامش و امنیت ایجاد شده، موقتی است و هرگز نمی توان روحیه خصومت را از میان برداشت. به عبارتی دیگر، اگر هیچ نوع اقتدار اخلاقی معتبری وجود نداشته باشد تنها قانون جنگل حاکم خواهد شد و ستیزه جویی حالتی مزمن به خود می گیرد. پدیده بیمارگون هرج و مرج، مخالف نفس هدفی است که هر جامعه ای دارد. هدف جامعه تعدیل روابط ستیز

آمیز و مقابله با قانون «قوی تر حق است» می باشد. پس قانون بقای اصلح تسهیل کننده آزادی فردی نیست و البته هیچ چیزی نادرست تر از تخاصم و تقابلی نیست که اغلب بین «اقتدار نظم و قاعده» اجتماعی با «آزادی» فرد برقرار می کنند (دورکیم امیل، ۱۳۸۱، ۱۰ تا ۱۱). آزادی حاصل نوعی مقررات و زاینده عمل اجتماعی است. آزادی محصول امنیت است. قاعده بندی و اخلاق جمعی توانایی افزایش سطح امنیت را دارد و آزادی، فرزند قدرت وجدان جمعی و اخلاق اجتماعی است. بدین وصف، آزاد بودن به این معنا نیست که شخص آن چه را که دلخواه اوست عمل نماید. آزادی به معنی خودداری و عمل خردمندانه و انجام به تکلیف است (دورکیم امیل، ۱۳۷۶، ۶۳). به نظر وی اجبار همراه با خشونت مستقیم یا غیر مستقیم نافی آزادی هستند. به عبارتی، تعادل همراه با اجبار با دوام نیست. آن نوع اجباری که ما را از وسایل درست و منصفانه رسیدن به حاصل کارمان محروم می دارد اجباری است که با آزادی منافات دارد. مبادله مبتنی بر قرارداد آزادانه، که ارزش های مبادله شده هم ارز باشند و تعادل حاصل از آن بر اثر دخالت نوعی عامل خارجی پدید نیامده باشد؛ شرایط منصفانه همراه با رضایت و بر مبنای قواعد اخلاقی را لازم دارد. در جامعه ای که افراد از بدو تولد فقیر یا ثروتمند باشند قراردادهای بسته شده ممکن نیست عادلانه باشند. به موازات پیشرفت تقسیم کار که خود منشا تولید امنیت فردی و اجتماعی است، این گونه بی عدالتی ها تحمل ناپذیر می شوند (دورکیم امیل، ۱۳۸۱، ۳۳۸ تا ۳۴۰). به همین دلیل وی می گوید: اگر قراردادها فقط به دلیل زور یا به خاطر ترس از کاربرد زور محترم شمرده شوند روابط مبتنی بر آن بسیار شکننده خواهد بود. به عبارتی، نظمی که بر انگیزه های درونی قرار بگیرد، پایدارتر است. هیچ گونه اجباری نباید باشد اجبار فقط در کاربرد مستقیم زور و خشونت نیست، خشونت غیر مستقیم نیز آزادی را نفی می کند و قرارداد ناشی از آن نیز غیرمعتبر است (همان، ۳۳۸). به نظر می رسد دورکیم به کارگیری اجبار و خشونت را نوعی ناامنی فرض کرده و اعتقاد دارد وجود روابط ناعادلانه نافی امنیت اجتماعی است و اگر امنیت را برای شهروندان ایجاد کند مدت زمانی طول نخواهد کشید که ناامنی همه اجتماع را فرا می گیرد. امنیتی که بر پایه اجبار و به شکل غیرمنصفانه در جامعه برقرار شود بسیار شکننده است. به همین دلیل، وی اعتقادی به این نوع از امنیت ندارد.

دورکیم معتقد است با عقلانی شدن وجدان جمعی از قاطعیت وجدان جمعی و ایمان عمومی کاسته می شود و در برابر توسعه آزادی فردی محدودیت و مانع کمتری ایجاد

می‌کند. در جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی وجدان جمعی، عامل پیوند ما و گروه ما بوده و در نتیجه مانعی در سر راه آزادی حرکات ما هستند (ایضاً، ۲۷۱). امنیت کامل در جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی راه را بر استعداد های فردی و آزادی های فردی می‌بندد. در این جامعه امنیت فردی (هستی و حیات فردی) با امنیت جمعی (هستی و حیات اجتماع) یکی است. به عبارتی، امنیت فردی که تابع اقتدار احساسات مشترک است تقریباً معادل تمامی امنیت جمعی (و اجتماعی) است. البته به نظر می‌رسد استمرار زندگی عمومی همان بقای حیات اجتماعی و تأمین سلامت عمومی است و احتمالاً با امنیت عمومی برابری می‌نماید. به این دلیل که دورکیم مخاطرات علیه امنیت فکری و امنیت اخلاقی جامعه و بدبختی های ناشی از آن را با همبستگی اجتماعی و حیات عمومی پیوند می‌زند (با بهره گیری از آرون ریمون، ۱۳۷۰، ۳۴۹). احتمالاً به اعتقاد دورکیم سلامت اخلاقی، فکری و جسمانی جامعه نشانه ای از امنیت عمومی است و هر جا امنیتی باشد سعادت هم در کار است. بدبختی های بشر، ناامنی هستند چون در این حالت مرگ بر زندگی غلبه کرده است. وی از شاخص های غلبه بدبختی بر سعادت و خوشبختی را تعداد خودکشی ها می‌داند. به عبارتی، امنیت عمومی و اجتماعی با میزان دگرکشی و خودکشی به مخاطره می‌افتد. خصوصاً این که، اگر دگرکشی ها و به طور عام جرائم بدون مجازات بماند. به این ترتیب، وجود مجازات (نظیر قصاص)، امنیت تولید می‌کند. البته برخی بدبختی ها، مشکلات و جرایم مجازات سرکوب گرانه ندارند (نظیر بحران های اقتصادی، ورشکستگی، رفتار ضد رسوم اجتماعی) ولی نیروهایی علیه امنیت جمعی و اجتماعی تلقی می‌شوند و به طور کلی به دلیل این که ناسامانی ها و جرایم، حیات جمعی را به خطر می‌اندازند ضد امنیت اجتماع هستند (با بهره گیری از دورکیم امیل، ۱۳۸۱، ۷۱ و ۲۰۹ تا ۲۱۸).

در انشای عبارات گذشته سعی شد دو واژه امنیت جمعی و امنیت اجتماعی (جامعوی) به طور مجزا از یکدیگر آورده شوند تا اشاره ای به تفاوت این دو امنیت باشد. به این جهت که دورکیم تمایزی بین وجدان جمعی (عمومی) و وجدان اجتماعی قائل شده است برای همین ما هم تمایزی را بین امنیت عمومی و امنیت اجتماعی قائل شدیم. وی می‌گوید: وجدان جمعی اساساً در تمامی گستره جامعه پراکنده است و مستقل از شرایط خاصی است که افراد در آن قرار دارند. هم چنین زمان و مکان نمی‌شناسد و در حکم روح نوعی جامعه است. پس به نظر می‌رسد امنیتی هست که تابع زمان و مکان نیست، عمومیت دارد و ناشی از روح

جمعی جامعه است. این نوع از امنیت را می توان امنیت عمومی یا جمعی نام نهاد که همه افراد و گروه های اجتماعی را در بر می گیرد و از شرایط خاصی که افراد به مقتضای تقسیم کار در آن قرار گرفته اند مستقل است، هم چنین از امنیت فردی نیز متمایز است. دورکیم ما را از این رای دور می کند که امنیت عمومی با امنیت اجتماعی یکسان است. وی امنیت جمعی (عمومی) را به ویژه در نوع جوامع پیشرفته صرفاً بخش محدودی از امنیت اجتماعی می داند. به عبارتی، امنیت قضایی، امنیت شغلی و دیگر موارد امنیت که به حوزه های نهادی خاص و نقش ها و وظایف آن ها معطوف می شود بی تردید خارج از امنیت عمومی هستند. این طور به نظر می رسد که امنیت اجتماعی را متأثر از فرایند نظام تقسیم کار در جامعه مبتنی بر همبستگی ارگانیک می داند. جامعه ای که به تعریف گروه بندی های خاص و وظایف خاص آن ها می پردازد. آشکار است که تقسیم کار و فرایند تفکیک، نمودی مشتق و ثانوی است و در سطح زندگی اجتماعی جریان دارد و نه در عمق آن؛ و هر چیز سطحی در هر اندامی که باشد به علت موقعیت سطحی اش نسبت به تأثیر علل خارجی حساس تر است. به این دلیل، امنیت در جامعه مبتنی بر همبستگی ارگانیک نسبت به امنیت در جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی سطحی تر بوده و بیشتر تحت تأثیر علل بیرونی قرار می گیرد.

دورکیم معتقد است: در جامعه جدید، طبایع انسانی لطیف تر و حساس تر شده است او چنین حساسیتی را به تمام لایه های جامعه جدید می کشاند و بر اساس آن تحلیل می کند. با این وصف، به نظر می رسد امنیت در دو لایه عمقی و سطحی قابل تقسیم باشد. امنیت عمقی (زیرین)، امنیتی مبتنی بر احساسات مشترک (جمعی) است و جنبه خاص جوامع دیرین است جایی که قدرت سنت و رسوم در آن حاکم است و تخطی از فرامین جامعه جرم تلقی شده و حیات جمعی را به مخاطره می افکند. چون جامعه در صدد حفظ امنیت جمعی است یعنی به دنبال حفظ حیات و سلامت عمومی است به شدت با هر گونه ناامنی و تهدیدات مجرمانه مقابله می کند. ممکن است اجتماعات مسلط در لایه عمیق امنیت، اجتماع مذهبی و اجتماع اجماعی (طبیعی) در نظر گرفته شود. زیرا احساسات جمعی در این دو اجتماع بسیار ریشه دار و کمتر تحت تأثیر شرایط بیرونی قرار می گیرند و امنیت مفروض در این اجتماعات پایدار تر و عمیق تر است. هم چنین امنیت سطحی در جامعه ای وجود دارد که اجماع اجتماعی، منتج از تمایز اجتماعی افراد است. همان طور که قبلاً اشاره شد امور سطحی از جمله تقسیم کار نسبت به علل خارجی حساس تر است در حالی که علل داخلی ای که به

آن وابسته است هنوز تغییر نیافته اند. به همین دلیل، کافی است که اوضاع خاصی نیاز به رفاه مادی (تمدن مادی) را در نزد ملتی برانگیزد، مثل روحیه تقلید؛ تا تقسیم کار اجتماعی (و به طور خاص اقتصادی) در نزد آن ملت توسعه یابد بی آن که ساخت اجتماعی به نحو محسوسی تغییر کند. تغییرهای حاصله در فهم انسانی یا سطحی ترین بخش آگاهی انسان که تابع تربیت است به آسانی تحت تأثیر نیروهای خارج قرار می گیرد بی آن که پایه های حیات روحی تغییر یابد. می توان طبق نظر فوق به این نکته اشاره داشت که امنیت سطحی تابع تغییراتی است که در ساخت روین اجتماع ایجاد می شود و آشکارترین آن لایه، اجتماع اقتصادی است. یعنی جایی که معیشت و رفاه افراد قاعده مند می شود. به نظر می رسد دور کیم به این اصل معتقد است که همیشه نوعی تعارض و تقابل بین امنیت سطحی و امنیت عمقی (بطنی) وجود دارد. یعنی نوعی دیالکتیک مبتنی بر تضاد بین دو سطح امنیت وجود دارد. به عبارتی، رشد مظاهر تمدن در جامعه شهری کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته، نشانه تقابل امنیت مبتنی بر احساسات مشترک و امنیت مبتنی بر اجماع (قرارداد ناشی از تقسیم کار) اجتماعی است. البته وی با ردّ تضاد دیالکتیکی مارکسی که زیربنا، انقلابی علیه رو بنا ایجاد می کند معتقد است که زیربنا و رو بنا به نوعی همزیستی اندامی می رسند. به تعبیر دیگر، امنیت سطحی و امنیت بطنی لازمه حیات جامعه مدرن تلقی می شوند. بر اساس بینش دور کیم به نظر می رسد امنیت عمومی معلول یا مظهر امنیت های فردی نیست؛ زیرا همبستگی اجتماع معلول همبستگی های فردی نمی باشد. همبستگی اجتماعی مبتنی بر احساس های افراد منفرد نیست. بدین لحاظ، امنیت عمومی همان همبستگی جمعی مبتنی بر وجدان ها و احساسات مشترک است. منشا این امنیت، استحکام، فراوانی و شدت باورهای جمعی جامعه است. پس امنیت عمومی بر ایند امنیت افراد با همان مختصات فردگرایانه نیست آن چه که تونیز در تعریف جامعه آورده است، بلکه امنیت دارای خصایص ویژه ای است که موجب تمایز آن به عنوان یک واقعیت منحصر به فرد می شود. امنیت عمومی (جمعی) از شرایط خاصی که افراد در آن قرار دارند و از امنیت فرد مستقل است، منتج می شود. به نظر می رسد او معتقد باشد امنیت عمومی چون مبتنی بر وجدان جمعی است، در همه محدوده یک اجتماع، مثل اجتماع شهری یکسان است. در جامعه ای که دارای همبستگی مکانیکی باشد یا جامعه ای که همبستگی ارگانیکی (اندامی) در آن مسلط باشد در ماهیت و معنای امنیت عمومی، یکسان هستند. خصوصاً در جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی امنیت فردی تابع امنیت عمومی

است و تقریباً معادل آن است. البته این معنا در جامعه اندام واره ای با نوعی دیگر از امنیت گروه می خورد که مبتنی بر فرایند تقسیم کار اجتماعی است. به هر حال منشاء امنیت گروه است نه فرد و هر چه میزان قدرت و شدت وجدان جمعی افزایش یابد سطح امنیت عمومی از طریق شدت کیفی‌هایی که بر اساس حقوق جزا به افراد خاطی اعمال می شود، توسعه می یابد. هر قدر وجدان جمعی قوی تر شود خشم عمومی بر ضد مؤلفه های ناامنی یا جرم یعنی برضد تخطی از فرامین اجتماعی حادتر می شود. نحوه اجرا و اعمال محدودیت ها و ایجاد امنیت در جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی جز به جز بر پایه احساسات جمعی تعیین می شود. احساسات جمعی تعیین کننده مؤلفه های امنیت جمعی (عمومی) است. یعنی همه اعضای یک جامعه، آن مؤلفه ها را به صورت عام امنیت یا ناامنی می شمارند (با بهره گیری از دور کیم امیل، ۱۳۸۱، ۷۲ تا ۷۶). البته همه مؤلفه ها دارای وزن یکسانی در ناامنی عمومی نیستند. برای تعیین اهمیت هر یک از مؤلفه ها کافی است به حقوق جزایی رجوع کرد، زیرا حقوق جزایی تابعی از وجدان عمومی جامعه است (با بهره گیری از همان، ۹۸ تا ۱۰۱). به عبارتی، حقوق جزایی یک واکنش مشترک در برابر پدیده های ناامن کننده جامعه است. (با بهره گیری از همان، ۹۵) در این جامعه است که فرد خاطی معین، مجازات می شود. شکل گیری این نوع امنیت تردید پذیر نیست و به شکل عمومی مورد پذیرش واقع و تثبیت شده است (با بهره گیری و اقتباس از آرون ریمون، ۱۳۷۰، ۳۴۹ تا ۳۵۱). به همین دلیل، به نظر می رسد در جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی، ناامنی عمومی بر پایه تعداد کیفی‌ها اندازه گیری شود. به عبارتی، امنیت و ناامنی از نظر تحلیلی با گستردگی و نیرومندی احساسات مشترک ارتباط داشته و در سطح انضمامی با تعداد جرم و وزن آن ها اندازه گیری می شود. امنیت در جامعه جدید متأثر از فرایند تقسیم کار اجتماعی است. خصیلت اصلی این جامعه وجود تمایز اجتماعی است. حیات اجتماعی وابسته به این تمایز است و همان طور نیز امنیت اجتماع تابعی از تمایزات اجتماعی است. وی تمایز اجتماعی را نتیجه ای از ترکیب دو نمود حجم جمعیت و تراکم (چگالی) مادی و اخلاقی می داند. پس شاید بتوان امنیت اجتماع را به افزایش حجم جمعیت و رشد تراکم مادی و اخلاقی مرتبط دانست. تمایز پذیری اجتماع شرط آفریننده آزادی فردی است. فرد با کاهش اقتدار وجدان جمعی نوعی استقلال رای و عمل بدست می آورد و امنیت، ناشی از حداقل وجدان جمعی و حداکثر تمایز پذیری است. وجود احساسات مشترک حداقلی در این جوامع عامل پیوند اشخاص

با کل و عامل مهمی جهت حفظ بقا و تأمین امنیت اجتماعی است. هم چنین تمایزپذیری اجتماعی همراه با انحطاط اقتدار سنت و همراه با افزایش روزافزون حاکمیت عقل و توسعه اجتماعی بوده و سهم ابتکار فردی در ایجاد و حفظ امنیت اجتماعی نیز افزایش می یابد. اگر چه ممکن است این شرایط وضعیتی رضایت بخش برای جامعه و افراد آن پدید نیآورد و پدیده هایی نظیر دعاوی خشونت آمیز افراد در برابر اجتماع را شکل دهد. پدیده هایی که احتمالاً برخی ویژگی های بیمارگون در حیات مشترک انسان ها را نشان می دهد. به عبارتی دیگر، هر فرد مایل است نقش هایش متناسب با استعدادها و امیالش باشد. او وضعیتی متناسب با ذوق و شایستگی های فردی خویش مطالبه می کند. در جامعه جدید فردیت، اصل سازنده جامعه است. افراد این جامعه متفاوت از یکدیگر هستند و این تفاوت را احساس می کنند و هر کس مایل است آن چه را که حق خود می داند به دست آورد. به همین دلیل، اصل فردی عدالت تبدیل به اصل جمعی می شود که برای نظم این جامعه ضروری و لازم است و جوامع جدید با رعایت عدالت می توانند ثبات داشته باشند. هم چنین در این جوامع چیزی معادل وجدان جمعی وجود دارد اگر ارزش های همگانی مشترک تضعیف شوند و اگر افاق باورها به حد افراط تنگ شود جامعه در خطر ناامنی و از هم پاشیدگی قرار می گیرد. اینجاست که مطالبات فرد از جامعه باید تابع انضباط اجتماعی شود که فقط جامعه قادر به تحمیل آن است و این انضباط جز با ایجاد سازمان گروه های حرفه ای که جذب افراد و ادغام آن ها را در کلیت اجتماعی تسهیل می کند میسر نخواهد شد. البته دورکیم عمده بحث سازمان ها و گروه های حرفه ای را در اجتماع اقتصادی مطرح می سازد، زیرا بیشترین نقش را اجتماع اقتصادی برعهده می گیرد و قاعده بندی های این اجتماع است که امنیت را ایجاد می کند. طبق آن چه که گفته شد به نظر می رسد دورکیم دو ماهیت عمده امنیت را این گونه ترسیم می کند: یکی امنیت مأخوذ از عواطف جمعی و دیگری امنیت مأخوذ از عقلانیت اجتماعی است و براساس تقسیم بندی دیگری که از نظر دورکیم بر می آید یکی امنیت عمقی (بطنی یا زیرین) و دیگری امنیت سطحی (رویین) است. می توان این دو دسته از امنیت را بر یکدیگر منطبق کرد، یعنی امنیت زیرین، امنیت معطوف به باورها و ارزش های مشترک را با جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی و امنیت سطحی و امنیت معطوف به عقلانیت را با جامعه مبتنی بر همبستگی ارگانیکی (اندام واره ای) انطباق داد. هم چنین می توان نوع مسلط امنیت در جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی را وحدت گرا و تعاونی و در جامعه مبتنی بر همبستگی

ارگانیک، رقابتی و تضادگرا فرض کرد. اگر چه وی معتقد است با تکوین گروه‌های صنفی تضادها به حداقل و تعاون به حداکثر خود می‌رسد. به هر ترتیب چهار سنخ امنیت در جوامع بدوی و جوامع جدید وجود داشته و تنها تفاوت در آن است که مؤلفه‌ها و اندازه‌های هر یک از چهار سنخ در دو جامعه متفاوت از یکدیگر هستند:

جدول ۱: ابعاد و ماهیت امنیت جوامع (سنخ‌شناسی امنیت)

ماهیت همبستگی در جامعه	لایه‌های امنیت	نظم	ماهیت امنیت	همبستگی
مکانیکی	عمقی (بطنی، زیرین) معطوف به عاطفه	آرامانی - منطقی	وحدتی	نظم مبتنی بر هم‌شکلی و بی‌تمایزی بدون آزادی‌های فردی
		هنجاری	تعاونی	نظم ایجابی مبتنی بر قرارداد همکاری داوطلبانه با حداقل آزادی‌های فردی
ارگانیکی	سطحی (رویین) معطوف به عقلانیت	قانونی	رقابتی	نظم قراردادی در شرایط عادلانه و رضایت بخش با حداکثر آزادی‌های فردی
		بی‌سامانی	تضادی	قراردادهایی متأثر از عوامل بیرونی ناعادلانه همراه با آزادی لجام‌گسیخته

همان‌طور که قبلاً اشاره شد تضاد دورکیمی به دولایه امنیت نیز منتسب می‌شود. تضادها و عصیان‌ها حاصلی جز آشفته کردن ادامه منظم نظم و تکامل نخواهند داشت. دو جامعه متخاصم که روابط متقابل آن‌ها کاملاً خصومت‌آمیز است از طریق شباهتی که با همدیگر دارند می‌توانند به هم نزدیک شوند و ارتباط برقرار کنند. به‌طورمثال، در دوره‌ای از رشد جوامع، کلیسا (اجتماع مذهبی) خدمات میانجی‌گری میان اقوام نامتجانس را به عهده گرفت و با رویکرد اخلاقی توانست خویش‌داری و ایثار را آموزش دهد تا شهروندان خوبی تربیت کند (دورکیم امیل، ۱۳۸۱: ۵۰، ۵۸ و ۳۹۲). به نظر وی، در جوامع پیشرفته، تفکیک کارکردها و وظایف باعث ایجاد تضاد بین افراد می‌شود. بنابراین افراد نگران می‌شوند و همین نگرانی مقوله اجماع را به میان می‌کشد. عوامل اجماع؛ این اکثریت مخالف، متضاد و متغایر نسبت به هم را وحدت می‌دهد که اصطلاحاً وحدت ارگانیکی نامیده می‌شود. پس تفاوت، تضاد و تغایر نشانه و معیاری از فرایند تکامل (تعادل) است. دورکیم مساله تضاد را شرط اصلی تکامل می‌داند و بر این عقیده است هر قدر تضاد بیشتر شود حرکت به سوی اجماع (رشد و تکامل و وحدت اجتماع) بیشتر است. منتهی این تضاد به‌تاز و آنتی‌تر

نمی‌انجامد بلکه به قول گوروپچ تضاد تکاملی است، یعنی تضادی که وحدت بخش است (غفاری غلامرضا؛ ابراهیمی لویه عادل، ۱۳۸۴، ۸۰، به نقل از تنهایی حسین ابوالحسن، ۱۳۷۱:۱۳۹). دورکیم بخش زیادی از تضاد را به روابط فرد و جامعه ارتباط می‌دهد. وی در جامعه‌شناسی انسجام، بینش هابزی دارد. به طوری که منافع ذاتی فرد و طبیعت شرور و منفعت‌گرای انسان، او را همیشه در برابر منافع جامعه قرار می‌دهد. به همین دلیل است، در جامعه سالم، کنترل اجتماعی بر تمایلات افراد محدودیت‌هایی اعمال می‌کند تا هر فردی حدود خواسته‌های خود را درک کند. اگر چنین تنظیمی شکسته شود نفوذ کنترل جامعه بر افراد، مؤثر نخواهد شد و افراد با خود تنها می‌شوند و اجتماع به سوی نابسامانی کشیده خواهد شد. پس می‌توان گفت یکی از تضادهای اساسی، تضاد بین فرد و جامعه است و تمام هدف سازمان اجتماعی، کنترل تضادها به شیوه‌ای است که نظام اجتماعی را هماهنگ و مسلط بر فرد نگه دارد و فرد را در جمع مستحیل کند. تضاد منظم بین فرد و جامعه میل به انسجام دارد اما حرکت به سوی تناقض منظم، به نوعی حرکت به سوی بی‌سامانی است و موجب کاهش توسعه اجتماعی می‌شود. به عبارتی دیگر، زمانی که روابط میان عناصر اجتماع از حد تضاد منظم گذشته و ساخت منظم مجموعه روابط متقابل را تهدید کند، در این زمان، با تضادی روبرو می‌شویم که به معنای تناقض^۱ نزدیک می‌شود (تنهایی حسین ابوالحسن، ۱۳۸۲: ۱۱۸ تا ۱۲۵). بحث تضاد دورکیم صرفاً به رابطه فرد و جامعه خلاصه نمی‌شود به نظر می‌رسد وی دامنه تضاد را به دو حوزه جامعه یعنی رسوم و حقوق جاری در آن، هم‌چنین به نوع و ماهیت امنیت گسترش می‌دهد. وی حفظ حیات اجتماعی در جامعه جدید را با گسترش تقسیم کار، تفکیک اجتماعی و حقوق ترمیمی همراه دانسته به رابطه دوسویه لایه‌های امنیت و ماهیت آن پیوند داده است. از نظر دورکیم اساس حیات اجتماعی در هر دو جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی و ارگانیکی منوط به حضور انسجام بخش ارزش‌ها، احساسات و باورهای مشترک است. این مجموعه را می‌توان در لایه امنیت عمقی (بطنی) معطوف به عاطفه مشاهده کرد. زوال حداقل‌های امنیت عاطفی (احساسات بر محور باورهای مشترک) در جامعه جدید منجر به از هم پاشیدگی جامعه و به تبع آن امنیت عقلانی می‌شود. به نظر می‌رسد وی کاهش سطح امنیت بطنی خصوصاً در دوره بحرانی ورود به جامعه جدید را معلول عوامل بیرونی از جمله فقدان عدالت در روابط قراردادی می‌داند. از

یک طرف، تنگ شدن و محدود شدن افق باورهای مشترک و از طرف دیگر، تکوین بی عدالتی و نارضایتی در روابط اجتماعی ثبات جامعه را به مخاطره انداخته و آن را در معرض از هم گسیختگی قرار می دهد (با بهره گیری از آرون ریمون، ۱۳۷۰، ۳۵۷ تا ۳۵۸ و ۴۲۱). به همین دلیل وی امنیت اجتماعی (حیات اجتماعی) در جامعه جدید را منوط به درک مطالبات و پاسخگویی به آن ها می داند و برای درک آن مطالبات معتقد است جامعه نیاز به حضور گروه های ثانویه دارد، گروه هایی که به شیوه عقلانی واسطه بین فرد و جامعه کل قرار گیرند و امنیت در روابط قراردادی و اجتماع اخلاقی را ایجاد و محافظت کنند (دورکیم امیل، ۱۳۸۱، ۶۴ تا ۶۵). می توان این طور استنباط کرد که امنیت آن چیزی است که حقوق جزایی جامعه آن را تعریف کرده است. یعنی هر عملی که در سطح فرد یا یک گروه اجتماعی مغایر با حقوق مدون باشد ناامنی اجتماعی تولید می کند. شرایط امن و ناامن دو جنبه متفاوت از امنیت جمعی و یا اجتماعی است که به شکل توأمان مشاهده می شوند. به همین دلیل، وجود بخشی از ناامنی اجتماعی طبیعی است اگر چه خود معیاری برای درک آسیب شناسی اجتماعی است و البته می تواند معیاری برای رشد و ارتقای اجتماعی هم باشد، نظیر توسعه شبکه روابط اجتماعی به منظور جلوگیری از رشد ناامنی اجتماعی. بدین وصف، در وضعیت عادی، وجود ناامنی اجتماعی و در وضعیت بیمارگون اجتماع، رشد غیر طبیعی ناامنی اجتماعی حاکی از نبود امنیت است و بدیهی است ناامنی در حالت اول نوعی آسیب و در حالت دوم نوعی تهدید نسبت به ثبات و بقای حیات اجتماعی است (با بهره گیری از آرون ریمون، ۱۳۷۰، ۳۵۹ تا ۳۶۸). وی پدیده های مرضی را از جمله به تغییرات سریع و رکود اقتصادی ربط می دهد. پدیده هایی که می تواند منجر به انقلاب و دگرگونی اساسی شود. تضادها در شرایط تغییرات سریع و رکود اقتصادی همراه با رشد نابرابری های اجتماعی و ایجاد نارضایتی، بقای جامعه را با خطرات جدی مواجه می سازد. تضادهای این دوران اگر کنترل نشوند ناامنی شدید را به همراه می آورد. او معتقد است: تحولات منظم در طبیعت جامعه جدید قرار دارد اما تحولات سریع نتیجه یک پدیده بیمارگون است که تعادل اجتماعی را بر هم زده و نهادهای گذشته را ریشه کن کرده بدون آن که چیزی جای آن ها قرار داده شود. بدین وصف، وقتی علت، غیر عادی است معلول هم نمی تواند غیر از این باشد (ایضاً، ۳۶۸). غیر عادی بودن یعنی بی ثباتی، بی نظمی، عدم تعادل و در معنایی کامل تر و وسیع تر کاهش همبستگی و وحدت اجتماعی است و اُفول همبستگی و یکپارچه شدن فرد در جامعه،

همان کاهش امنیت اجتماعی است. او معتقد است در جوامع قطاعی که همبستگی کامل است و هم شکلی و بی تمایزی وجه غالب است امنیت کامل در جامعه حاکم است. وی می گوید: تا جایی که ساختمان اجتماعی، قطاعی است هر قطاع اندام های خاص خود را دارد که در امنیت کامل هستند و توسط دیواره هایی که قطاع های متفاوت را از هم جدا می کنند دور از قطاع های همانند قرار گرفته اند. ولی به موازات از بین رفتن این دیواره ها، اندام های همانند ناگزیر به هم می رسند و با هم در مبارزه داخل می شوند و می کوشند جای یکدیگر را بگیرند. این جا به جایی قطاع ها، نتیجه اش پیشرفت در تخصص پذیری است. به عبارتی، گسسته شدن تعادل در حجم اجتماعی (حجم جمعیت و تراکم مادی) تعارض هایی را بر می انگیزاند که این تعارض ها فقط با نوعی تقسیم کار پیشرفته حل می شود. بنابراین تقسیم کار نتیجه ای از مبارزه برای زندگی و ایجاد امنیت اجتماعی است. ورود به تقسیم کار یعنی گرفتن نقش های اجتماعی متناسب با ویژگی ها و شرایط فرد که حس عدالت خواهی و رضایت افراد را تأمین کند. هم چنین رقبا در پرتوی تقسیم کار به جای نابود کردن یکدیگر موفق به هم زیستی در کنار هم می شوند و فرصت پایداری و بقا می یابند (همان، ۲۳۸ تا ۲۳۹). تخصص یافتن بیشتر به معنای تولید کردن بیشتر نیست بلکه به معنای امنیت بیشتر و قابلیت بیشتر برای زندگی در شرایط جدید است. تقسیم کار چیزی است که ضمن ایجاد تقابل، همکاری هم پدید می آورد. به عبارتی، رشد آزادی های افراد اجتماع، تولید امنیت می کند. به نظر می رسد اگر روابط افراد در دوران پیشرفت تدریجی و توسعه اجتماعی تابع قاعده ای نباشد و اگر قدرتی برای تعدیل و تنظیم منافع افراد دخالت نکند نوعی آشوب و بی نظمی ایجاد می شود که هیچ امنیتی از آن بیرون نمی آید. می توان نتیجه گرفت که آزادی های افراد در قالب اقتدار قانون و دستگاه های مربوط به آن، امنیت ایجاد می کند و اگر اقتدار هنجارهای قانونی وجود نداشته باشد آزادی ها جز رشد تضاد و ناامنی چیز بیشتری به همراه نخواهند آورد (با بهره گیری از آرون ریمون، ۱۳۷۰، ۲۴۴ تا ۲۴۶). البته دور کیم بین اتحاد و همکاری تمایزی را قائل می شود در عین این که هر دو می توانند امنیت جمعی و اجتماعی ایجاد کنند. به نظر وی اتحاد (وحدت) در سایه همانندی است، مثل یکپارچگی و تمامیت یک اجتماع قطاعی یا آمیختگی جوامع هم نوع فروتر در جهت یک وجدان جمعی واحد؛ اما همکاری (تعاون) در سایه تقسیم کار است و تقسیم کار بیشتر عاملی در استوار ساختن بیشتر پیوندهای اجتماعی است و سبب می شود تا جامعه فردیتی کامل تر بیابد (ایضاً،

۲۴۶). البته تقسیم کار در جامعه از پیش موجود شکل می‌گیرد که اعضای آن با باورهای مشترک در تماس دائمی با یکدیگر هستند. به همین دلیل، یکپارچگی و تمامیت جدید مستلزم آن است که قبلاً تمامیتی وجود داشته باشد تا شکل جدید جای آن را (آن هم نه بطور کامل) بگیرد. به همین دلیل می‌توان خاستگاه امنیت سطحی را امنیت بطنی (زیرین) در نظر گرفت. شاید یکی از دغدغه‌های دورکیم همین بود که اگر جامعه جدید بخواهد همه آن چه از رسومات، آرمان‌ها و احساسات جمعی گذشته را نفی کند نمی‌تواند با امنیت سطحی ایجاد شده، بقای دائمی خود را تضمین کند (با بهره‌گیری از دورکیم امیل، ۱۳۷۶، ۱۱۳) و این تأکیدی بر نقش امنیت بطنی (زیرین) در حفظ امنیت سطحی (رویین) است. دورکیم درباره اصلاح و بازسازی یکپارچگی فرد در جامعه جدید و ایجاد امنیت اجتماعی، نقش گروه‌های (اجتماعات) سیاسی، مذهبی و خانوادگی (اجتماع طبیعی یا اجتماع اجماعی) را مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر وی، گروه‌ها یا اجتماعات اخیر نمی‌توانند فرد را وادار به پذیرش الزامات انسجام اجتماعی کنند و قادر نیستند امنیت را به فرد بازگردانند. اگر چه اجتماعات سیاسی، مذهبی و اجماعی در تأمین انسجام اجتماعی جوامع جدید نقش دارند ولی راه حل مناسبی نیستند. آن چه به نظر وی یکپارچگی فرد را در گروه تأمین کرده و نقش اجبار اجتماعی را به خوبی ایفا می‌کند وجود اجتماع یا گروه حرفه‌ای یا صنفی است که می‌تواند جوابگوی نظم اجتماعی باشد. اصناف حرفه‌ای که در تعریف اجتماع اقتصادی جای می‌گیرند با خصلت جوامع جدید سازگار هستند زیرا در این جوامع فعالیت اقتصادی غلبه دارد (همان، ۳۶۹ تا ۳۷۰ و آرون ریمون، ۱۳۷۰، ۴۱۰). دورکیم، نقش اجتماع اقتصادی (به طور خاص گروه‌های صنفی) را در تأمین امنیت افراد و اجتماع، برقراری انضباط اجتماعی، تأمین اقتدار لازم برای ارزش‌های اجتماعی و ایجاد نظم و تعادل اجتماعی بیش از سایر اجتماعات می‌داند. به عبارتی دیگر، به نظر می‌رسد در جوامع جدید، ایجاد امنیت در اجتماع اقتصادی ضمن آن که مقدم بر سایر امنیت اجتماعات است اصلاح و بازسازی سازمان اجتماع اقتصادی را در اولویت قرار می‌دهد. به نظر وی معیار سلامت متوسط جامعه جز با سازمان دهی مجدد اجتماع اقتصادی به دست نمی‌آید و سازمان دهی مجدد اجتماع اقتصادی جز با انضباط اجتماعی شکل نمی‌گیرد و ایجاد انضباط اجتماعی منوط به وجود گروه‌ها صنفی است. گروه‌های ثانوی که واسطه بین فرد با جامعه، فرد با دولت و گروه‌های مختلف جامعه با دولت قرار می‌گیرند تا به تنظیم روابط و منافع افراد و گروه‌ها و اجتماعات بپردازند

(با بهره‌گیری از آرون ریمون، ۱۳۷۰، ۳۶۹ تا ۳۷۰). او می‌گوید: همراه با تعریف نقش‌ها، وظایف و قواعد جدید، قدرت هم باید وجود داشته باشد. وظایف و قواعد تعریف شده را نمی‌توان به حال خود رها کرد و این را پذیرفت که انجام وظایف، نیازی به تبعیت از هیچ قدرتی ندارند این نوع گرایش قادر نیست تولید امنیت کند. به همین دلیل، وظایف اقتصادی در جامعه جدید باید تابع قدرتی باشند و این قدرت باید هم سیاسی و هم اخلاقی باشد (دورکیم امیل، ۱۳۸۱، ۱۳). دورکیم در اجرای قراردادهای اجتماعی به نقش دولت، دستگاه‌های قضایی، مذهب و حتی نقش خانواده به طور خاص در جامعه پذیر کردن و تربیت هنجاری افراد توجه کرده و می‌گوید: جامعه برای حفظ و بقای خود نیاز دارد به این که کار میان اعضایش تقسیم شود. این عبارت نشان می‌دهد که توجه دورکیم به تقسیم کار صرفاً اقتصادی نیست و تمام اجتماعات را در بر می‌گیرد. به همین دلیل آورده است: از این روی، جامعه به دست خود و از راه تربیت (جامعه‌پذیر کردن)، کارگزاران خاصی را که مورد نیاز است برای خود آماده می‌کند. از طریق تربیت (به طور خاص از دوران کودکی) می‌توان به آن میزان تجانس دست یافت که حیات جمعی نیازمند آن است. حیات جمعی (هستی اجتماعی) شامل اعتقادات دینی، باورها و اعمال اخلاقی و سنت‌های ملی و ملزومات شغلی و همه‌گونه آرای جمعی است (دورکیم امیل، ۱۳۷۶، ۸۷ تا ۸۸ و ۹۱ تا ۹۲). وی در بیان نقش دولت به عنوان نماینده اجتماع سیاسی می‌آورد: هر آن چه اساساً اجتماعی باشد، دولت نمی‌تواند نسبت به آن بی‌اعتنا باشد و باید تا حدی تابع عمل دولت باشد و دولت نیز بر آن نظارت داشته باشد. جامعه با تمام اختلاف نظرات، متکی به اصولی است که در ظاهر یا باطن میان همه افراد مشترک است. از طرفی، نقش دولت به عنوان نماینده اجتماع سیاسی و از طرف دیگر، نقش دیگر گروه‌های اجتماعات (مذهبی، اجتماعی و اقتصادی) و نمایندگان آن‌ها، آن است که این اصول بنیادی را درک کنند و افراد را بر مدار آن‌ها آموزش داده و بر اجرای آن نظارت کنند. وی از جمله اصول بنیادین را اصول فرهنگ دینی (مذهب به عنوان بخشی از نمودهای فرهنگی) می‌داند که در سراسر جامعه یکسان می‌باشد و نمایندگان اجتماعات مذهبی، سیاسی و اجتماعی باید تربیتی اتخاذ کنند تا این افکار و احساسات مشترک براساس یک نظام تربیتی به نحو یکسان در ذهن کودکان تزیق شود (همان، ۴۶ تا ۵۵). تا هر فردی بتواند نقش‌های مناسب با حال و استعداد خود را برعهده گیرد. بدین وصف، دو مؤلفه مهم امنیت اجتماعی به موازات یکدیگر مشاهده می‌شود: یکی جامعه‌پذیری افراد

بر اساس ارزش ها و هنجارهای مشترک و به عبارت کلی تر تربیت افراد و دیگری ورود به نظام تقسیم کار اجتماعی در یک فضای اجتماعی عادلانه و رضایت بخش می باشد. اگر نظام تقسیم کار و توزیع نقش ها نامناسب باشد خصوصاً در طبقات پائین گرایش به نارضایتی ایجاد می کند و ممکن است منجر به جنگ داخلی شود یعنی رقابت و تضاد برای برابری و عدالت وجه غالب مناسبات و قراردادهای اجتماعی را در بر می گیرد. به نظر وی نه لازم و نه ممکن است که زندگی اجتماعی از رقابت، مبارزه و تعارض خالی باشد و نقش همبستگی اجتماعی این نیست که رقابت ها را به طور کامل از میان بردارد بلکه در آن است که رقابت ها را تعدیل کند و تضادها را به حداقل برساند (با بهره گیری از دور کیم امیل، ۱۳۸۱، ۳۱۸ تا ۳۳۲). دور کیم معتقد است: جامعه قبل از هر چیز نوعی تعاون و همکاری فعال است. جامعه از طریق کنش مشترک است که می تواند خود را تثبیت کند (دور کیم امیل، ۱۳۸۳، ۵۷۹). بدین وصف، به نظر می رسد دور کیم تعاون را در دو جامعه مکانیکی و ارگانیکی در نظر دارد. چون او معتقد است عامل نزدیکی آدمیان و شکل گیری گروه یا جامعه می تواند علت مکانیکی یا نیروهای غریزی باشد، مثل دلبستگی به سرزمین واحد، پرستش نیاکان، اشتراک در اخلاق و عادات. در صورتی که گروه بر پایه این ها تشکیل شده باشد تعاون و همکاری شکل می گیرد البته این همکاری سُست است مگر آن که همکاری پیچیده تر که ناشی از تقسیم کار است پا بگیرد (دور کیم، امیل، ۱۳۸۱، ۲۴۵). روابط تعاونی و همکاری راه حل مسالمت آمیز حل مسئله بقا و تعدیل روابط مبتنی بر تضاد و رقابت حداکثر است. شاید شکل مناسب امنیت اجتماعی این باشد که خاستگاه امنیت اجتماعی، روابط تعاونی و ایجاد سهم عادلانه در بهره مندی از امکانات مادی و معنوی اجتماع باشد. این نوع امنیت، پایدارتر و اطمینان بخش تر برای افراد و گروه های جامعه است (با بهره گیری از دور کیم امیل، ۱۳۷۰، ۳۵۶)؛ البته دور کیم تعاون مکانیکی و تعاون ارگانیکی را مربوط به یک جامعه خاص نمی بیند. به نظر وی تعاون مکانیکی یک پیوند اجتماعی است در حالی که در تعاون ارگانیکی، افراد و گروه های اجتماعی طبق یک نظم معین شده توسط خودشان با یکدیگر پیوند و ارتباط دارند. همان طور که قبلاً اشاره شد، وی برای حل مسئله بی سامانی به طرح گروه های میانجی می پردازد. گروه هایی که هویت اجتماعی افراد را تعریف می کنند و مرکز ثقل روابط اجتماعی قرار می گیرند. از این روی، ایده آل نظم برای دور کیم نظم تعاونی و ایده آل تعادل، همبستگی است و امنیت، نوعی نظم تعادلی است که در برابر نظم

ثابت قرار می‌گیرد. نظم تعاونی به وحدت ثابت حمله می‌کند ولی وی از خطر تفرقه و فقدان انسجام که مخرب وحدت و یکپارچگی جامعه است، نگران است. به همین دلیل به جای این که سراغ نظم‌های سرکوبگرانه سیاسی برود به دنبال آرمان اجتماعی حداکثر فردیت افراد و گروه‌ها با حداکثر هم‌یاری و اشتراک جمعی رفته و نظم تضادی و نظم رقابتی را تبدیل به نظم تعاونی کند (مورو دویلن، لویی، ۱۳۷۵: ۲۲، ۲۸، ۳۰، ۳۸ و ۱۱۸).

امنیت تضادی

اگر روابط دوران پیشرفت تدریجی تابع قاعده‌ای نباشد و اگر برای تعدیل و تنظیم منافع افراد دخالت نکند نوعی تضاد و آشوب ایجاد می‌شود که هیچ نظمی از آن بیرون نمی‌آید (دورکیم امیل، ۱۳۸۱: ۲۴۴) هم‌چنین اگر تغییرات سریع و رکود اقتصادی جامعه را در بر بگیرد نظم پیشین به سوی بی‌سامانی (گیدنز آنتونی، ۱۳۶۳: ۴۰) و تناقض بین مناسبات جدید و حقوق مستقر پیش رفته و سطح امنیت را به نازل‌ترین آن رسانده و حداقل‌های امنیت را، که به آن امنیت تضادی یا امنیت مبتنی بر تضاد گفته می‌شود، حاکم می‌گرداند و فرصت‌های تعارض، برخورد و جنگ شکل گرفته (همان، ۲۳۵ و ۶۴ تا ۶۵) و در حداکثر خود بر روابط افراد و گروه‌های اجتماع حاکم می‌شود

امنیت رقابتی

دورکیم به شکل واضح تفاوت چندانی بین رقابت و نزاع (تضاد) قائل نیست و بیشترین تمرکزش بر همکاری و تعاون است و شاید بتوان گفت رقابت در شرایط تعادل به معنای همکاری و در شرایط غیر تعادلی به معنای نزاع مطرح شده است. با این وصف، وی معتقد است: در یک جامعه واحد با فرض تراکم مادی بالا هر چه نقش‌ها به هم نزدیک‌تر شود نقاط برخورد بیشتر خواهد شد آنان که به نقش‌های واحدی می‌پردازند در صورتی که تعدادشان زیاد است نظیر بنگاه‌های اقتصادی که در یک شهر نیازهای واحدی را پاسخ می‌دهند چاره‌ای ندارند که به ضرر دیگری به سودی برسند. البته در شاخه‌های خارجی این اندام واحد، مبارزه در حداقل است و هر قدر به داخل و مرکز کانون نزدیک شویم رقابت بیشتر می‌شود و اگر بنگاه‌های اقتصادی توان رقابتی را نداشته باشند راه حل یا در حذف است یا در تمایز پذیری بیشتر (و افزایش تراکم اخلاقی). در حالت تمایز پذیری

بیشتر است که رقابت تبدیل به همکاری می شود و در حالت حذف، رقابت تبدیل به تضاد می گردد (دورکیم امیل، ۱۳۸۱، ۲۳۴ تا ۲۳۸). امنیت رقابتی اگر چه پدیده ای مطلوب برای جوامعی است که تقسیم کار را تجربه می کنند اما دوام آن را با تغییر رقابت به همکاری می توان تضمین کرد. زیرا ماهیت اخلاق و نظم اخلاقی جامعه که خود زاده تقسیم کار اجتماعی است مبتنی بر همکاری است؛ اگر چه بیان این مطلب به معنای نفی رقابت نیست (با بهره گیری از دورکیم امیل، ۱۳۸۱: ۱۸۷ تا ۱۸۸ و ۲۰۰ تا ۲۰۱).

امنیت تعاونی

به نظر می رسد در صورتی که تکوین گروه های اجتماعی و پیوند افراد مبتنی بر احساسات و باورها و عادات مشترک جمعی باشد و روابط متعهدانه و داوطلبانه متقابل وجود داشته و از سویی دیگر نظام تقسیم کار اجتماعی در وضعیت تعادلی قرار داشته وقاعده بندی جدیدی را برای همکاری متقابل ایجاد کرده باشد امنیت تعاونی شکل می گیرد (همان، ۲۴۴ و ۲۴۵). بدین وصف، حاصل ثبات نسبی و تعادل موقت در جامعه تعاونی، وجود امنیت فکری و اخلاقی در جامعه است (دورکیم امیل، ۱۳۷۶: ۹۹). و تمامی موارد بیمارگون، غیر عادی و نامنی، ناشی از گسسته شدن تعادل کارکردی اندام واره یا پیکر زنده است (دورکیم امیل، ۱۳۸۱: ۲۴۰). که تعاون را به وضعیت رقابت و تنازع می کشاند. به عبارتی امنیت اجتماعی همان تعادل در روابط مبادله ای نظام تقسیم کار اجتماعی بر مبنای باورهای عام و تنظیمات هنجاری است.

امنیت وحدتی

از ویژگی های مذهب ایجاد ایمان مذهبی مشترک است که در جوامع قطاعی و ساده به شدت مشاهده می شود. مذهب مجموعه ای از باورها و مراسمی را تعریف می کند که با هم روابط هماهنگی داشته و به دلیل روابط منطقی حاکم بر گفتمان مذهب این دستگاه برخوردار از نوعی وحدت درونی و مستقل از هر دستگاه دیگر را به وجود می آورد و اجتماعی مذهبی را بنیان می گذارد. بدین وصف، امنیت اجتماع مذهبی به تبع وحدت درونی عناصر مذهب، دارای یک وحدت درونی و یکپارچه است. به همین دلیل، امنیت اجتماع مذهبی معطوف به وحدت حداکثری در جامعه است که آن را می توان امنیت وحدتی نامید

(با بهره گیری از آرون ریمون، ۱۳۷۰: ۳۷۵). به عبارتی، عملکرد پرستش، که دارای خاستگاه مذهبی است، افزایش وحدت اجتماعی است (گیدنز آنتونی، ۱۳۶۳: ۳۵). به قول دورکیم چیزی در مذهب است که به جامعه وحدت و مزیتی خاص می بخشد (همان، ۸۵) و می توان آن را به منزله یک اجتماع ایمانی (مذهبی) قلمداد کرد.

تعریف امنیت اجتماعی (جامعوی) از نظر دورکیم

احتمالاً بتوان تعریف امنیت اجتماعی را بر اساس نظر دورکیم این گونه مطرح کرد:

امنیت اجتماعی

وضعیتی که در آن گروهی همبسته مبتنی بر ارزش ها، باورها و اعتقادات جمعی مشترک بر اساس تنظیمات هنجارمند (جامعه پذیری و نظارت بر این فرایند) جهت ورود افراد به نظام تقسیم کار اجتماعی (شبکه روابط نقش) برای ارضای تمایلات و ایجاد خشنودی، آمادگی یافته و عمل اجتماعی آنان به سوی انسجام، تعادل و تشدید پیوندهای اجتماعی و تثبیت بیشتر ارزش ها و هنجارها جهت گیری شده است.

مدل مفهومی امنیت جامعوی^۱ دورکیم



روشن شناسی

دورکیم در تقسیم کار اجتماعی به چهار بعد حجم^۱، شدت^۲، استحکام^۳ و محتوای^۴ عقاید، باورها و ارزش هایی که وجدان جمعی را در بر می گیرد، توجه می کند. ویژگی های ذکر شده در نوع جوامع مبتنی بر همبستگی مکانیکی و ارگانیکی و خصلت همبستگی در آن

- 1- Societal security
- 2- Volume
- 3- Intensity
- 4- Rigidity
- 5- Content



جوامع تأثیر گذار است وی همچنین وقایع اجتماعی را از طریق داده های ثانویه تحلیل می کند.

ابزار جمع آوری داده ها

ابزار جمع آوری اطلاعات با کمک از تکنیک دلفی ساخته شده است. در این تحقیق شاخص های نامنی بر اساس: الف) شاخص های موجود در وزارت کشور، نیروی انتظامی و مرکز آمار ایران، و ب) مصاحبه اکتشافی با بیست نفر از کارشناسان برای ساخت پرسشنامه مقدماتی فراهم شد. سپس پرسشنامه در اختیار ده نفر از متخصصین مرتبط با امنیت قرار داده شد تا نظرات خود را در مورد هر یک از شاخص ها از نظر محتوا و نوشتاری بیان کنند. با اخذ نظرات کارشناسی و بررسی آن ها در دو مرحله، اجماع نهایی آرای کارشناسی صورت گرفته و پرسشنامه امنیت جامعوی طراحی گردید.

پایایی پرسشنامه سنجش نامنی جامعوی

پایایی پرسشنامه سنجش نامنی عمدتاً به دقت نتایج حاصل از آن بستگی دارد. در اینجا از روش توافق درونی^۱ که بر همسانی اجزاء یا شاخص های تشکیل دهنده نامنی توجه دارد استفاده شده است. ضریب آلفای^۲ کرونباخ برای آزمون سنجش نامنی جامعوی برابر ۰/۹۶۴ است.

1- Reliability

2- Internal Consistency

3- Coefficient Alpha

جدول ۲: شاخص‌های ناامنی جمعی به تفکیک ابعاد ناامنی و پایایی هر بُعد

اجتماعی	اقتصادی	سیاسی	ارزشی، عرفی و اعتقادی
۱. اجتماعات غیرقانونی صنفی - اجتماعی ۲. جرایم سازمان یافته مسلحانه و غیرمسلحانه ۳. سرقت‌های مسلحانه ۴. سرقت‌های عادی ۵. قتل عمد ۶. خودکشی ۷. قاچاق مواد روانگردان ۸. درگیری و نزاع دسته جمعی ۹. جرایم غیر سازمان یافته اجتماعی ۱۰. ناتوانی مراکز قضایی در رسیدگی به جرایم و حل اختلافات ۱۱. بی‌اعتمادی شهروندان به یکدیگر ۱۲. حضور اراذل و اوباش در سطح شهر ۱۳. حس وطن دوستی ۱۴. مهاجرت نخبگان علمی، فرهنگی به خارج از کشور ۱۵. جرایم نیروی انتظامی و با عنوان نیروی انتظامی ۱۶. طلاق ۱۷. قاچاق سلاح و مهمات ۱۸. جرایم مهاجرین یا اتباع بیگانه	۱. فقر ۲. بیکاری ۳. کاهش رشد اقتصادی ۴. توزیع ناعادلانه‌ی ثروت و درآمد ۸. قاچاق کالا ۱۰. باجگیری و اخاذی ۱۱. تورم و گرانی ۱۲. نارضایتی اقتصادی ۱۳. اغتشاش و آشوب معطوف به خواسته‌های اقتصادی ۱۴. جرایم اقتصادی نظیر کلاهبرداری ۱۱. خروج سرمایه‌های اقتصادی از چرخه‌ی تولید ۱۲. جرایم غیرسازمان یافته اقتصادی نظیر ارتشاء ۱۳. عدم استفاده از تامین اجتماعی ۱۴. شعARNویسی و شایعه‌سازی اقتصاد - اجتماعی ۱۵. اعتصاب صنفی اقتصادی ۱۶. جرایم سازمان یافته اقتصادی نظیر پول شویی	۱. اعتصاب سیاسی ۲. اعتراض (تجمع و تحصن) سیاسی ۳. تظاهرات علیه حاکمیت ۴. انفجار، تخریب با انگیزه‌ی سیاسی ۵. فعالیت سیاسی اپوزیسیون معاند و اشرار ضد انقلاب ۶. نارضایتی سیاسی ۷. اغتشاش و آشوب سیاسی ۸. ترور ۹. زندانیان سیاسی ۱۰. کاهش مشارکت سیاسی ۱۱. فساد در احزاب سیاسی، نخبگان و مدیران عالی سیاسی ۱۲. کاهش اقتدار دولت ۱۳. بی‌اعتمادی شهروندان به حاکمیت ۱۱. مصرف کالاهای فرهنگی غیر ایرانی ۱۲. تولید داخلی محصولات مخرب فرهنگی	۱. جرایم جنسی ۲. اماکن فساد ۳. نزاع‌های فرقه‌ای - مذهبی ۴. محدودیت رشد و فعالیت گروه‌ها، انجمن‌ها و کانون‌های فرقه‌های مذهبی ۵. کاهش چاپ کتاب و نشریات مذهبی و ارزشی ۶. کاهش منزلت اجتماعی نخبگان مذهبی حوزوی ۷. کاهش تولیدات مذهبی ۸. فعالیت تبلیغی فرهنگی اپوزیسیون معاند و اشرار ضد انقلاب ۹. رفتارهای خلاف ارزش‌های مذهبی ۱۰. گرایش به فرقه‌های جدید ۱۱. مصرف کالاهای فرهنگی غیر ایرانی ۱۲. تولید داخلی محصولات مخرب فرهنگی
پایایی ۰/۹۱	پایایی ۰/۹۳	پایایی ۰/۸۶	پایایی ۰/۹۰

روش تحقیق

با عنایت به این که هدف تحقیق بازشناسی نظریه دورکیم در حوزه امنیت جمعی است تحقیق بنیادی می‌باشد و به دلیل این که محقق قصد دارد به وسیله تحلیل نظری مفاهیم و بهره‌گیری از یک الگوی پیشنهادی سنجش به قاعده‌ای دست یابد تا بتواند آن را در موقعیت‌های واقعی، تجربه کند و به کار بندد تحقیق کاربردی می‌باشد. هم‌چنین نوع تحقیق برحسب کنترل متغیر به صورت غیرآزمایشی از نوع پیمایشی است.

شیوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌های ثانویه برای ارائه الگوی سنجش

نوع داده‌هایی که برای الگوی اندازه‌گیری امنیت استفاده می‌شود داده‌های ثانوی است

که مؤسسات و مراکز مرتبط با موضوع امنیت اجتماعی گردآوری کرده اند.^۱ در این تحقیق، داده های موثق و رسمی شهر تهران طی ده سال (۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷)، در مورد نابهنجاری ها و جرایم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی جمع آوری گردید تا بتوان تایید تجربی برای الگوی سنجش امنیت اجتماعی را فراهم آورد. با توصیف فوق، در وهله اول تعداد یا فراوانی رخدادهایی را که بر اساس روش دلفی بدست آورده شده، معلوم کرده و سپس میزان اهمیت هر رخداد را براساس نظرات ۱۰۰ نفر از نخبگان علمی (اجتماعی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی) مشخص کرده ایم.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

محاسبه وزن ناامنی جامعه‌ی

در این بخش حاصل جمع نمرات وزن محاسبه می شود. برای سنجش شدت ابعاد ناامنی در اجتماعات چهارگانه بر اساس داده های ثانویه، در ابتدا تعداد هر یک از رخدادهای ناامن ساز به تفکیک سال محاسبه شده، سپس نمره اهمیت هر رخداد که توسط کارشناسان داده شده به دست آورده و با ضرب نمره اهمیت در تعداد رخداد (که همان وزن گفته می شود) به آخرین هدف تحقیق دست می یابیم.

جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

اول: تجزیه و تحلیل مؤلفه های ناامنی جامعه‌ی بر اساس نظرات کارشناسان

روایی سازه با استفاده از روش تحلیل عامل تاییدی

این روش به ما می گوید کدام شاخص های اندازه گیری، یک چیز را اندازه می گیرند و تا چه حد آنچه را که قرار است اندازه بگیرند می سنجد (کرلینجر فردان، ۱۳۷۶، ۱۴۹) به عبارتی، پرسشنامه ناامنی جامعه‌ی، ابعاد ناامنی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارزشی، عرفی و اعتقادی را مورد سنجش قرار می دهد؟ بدین منظور، کفایت نمونه گیری بر اساس شاخص آماری K.M.O^۲ اندازه گیری و مقدار آزمون کرویت بارتلت^۳ به شرح ذیل آورده می شود:

۱- عمده شاخص ها توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در اختیار محقق قرار داده شده است.

2- Kaiser Meyer- Olkin measure of sampling adequacy

3- Bartlett's test of sphericity

جدول ۳: مقادیر کفایت نمونه گیری و آزمون کرویت بارتلت برای ماتریس همبستگی

مقادیر	شاخص های آماری
۰/۷۷۳	کفایت نمونه گیری (K.M.O)
۶۹۱۴/۵۲۳	آزمون بارتلت
۱۷۷۰	درجه ی آزادی
۰/۰۰۰	سطح معنی داری

طبق جدول فوق مقدار K.M.O برابر ۰/۷۷۳ و معنی داری شاخص کرویت بارتلت برابر ۰/۰۰۰ است. بدین وصف، علاوه بر کفایت نمونه گیری، اجرای تحلیل عاملی بر پایه همبستگی شاخص ها قابل توجیه بوده و ماتریس داده ها برای تحلیل عاملی مناسب است. با اجرای تحلیل عاملی بر اساس مؤلفه های اصلی چهار عامل بدست آمد بدین وصف، طبق دیدگاه کارشناسان امنیتی به طور کلی می توان شاخص های ناامنی جامعه ی را در چهار سازه قراردادی تعریف کرد:

۱- ناامنی اقتصادی

۲- ناامنی ارزشی، عرفی و اعتقادی

۳- ناامنی اجتماعی (اجماعی)

۴- ناامنی سیاسی

بر اساس میزان اشتراک؛ ۶۰ شاخص در چهار عامل فوق، ۴۹/۲۵۹ درصد واریانس شاخص کل ناامنی جامعه ی را تبیین می کند.

دوم: سنجش ناامنی جامعه ی

برای اندازه گیری شدت ناامنی در هر یک از اجتماعات، ابتدا نمره اهمیت هر شاخص بر اساس نظرات کارشناسان امنیتی محاسبه و میانگین نمره اهمیت را بدست آورده و سپس تعداد وقایع به وقوع پیوسته برای هر شاخص بر اساس داده های ثانویه محاسبه و در نهایت حاصل ضرب نمره اهمیت شاخص و تعداد وقایع اتفاق افتاده همان شاخص بدست آورده می شود. شکل ساده ریاضی آن به شرح زیر است:

$$Y = \sum a(x)$$

∑ : مجموع

a: میانگین نمره اهمیت

x: نمره استاندارد اصلاح شده واقعه

Y: مجموع حاصل ضرب میانگین نمرات اهمیت با نمرات استاندارد اصلاح شده وقایع هم چنین به جهت اهمیت وزن گذاری شاخص ها باید به این نکته اشاره داشت اگر امنیت جامعه را بر اساس تعداد وقایعی که رخ داده، در نظر گرفته و محاسبه کنیم به تحلیلی اشتباه از امنیت بسنده کرده ایم. فرض کنید نمره استاندارد اصلاح شده سرقت مسلحانه ۳۷/۳ و اغتشاش اجتماعی بدون جهت گیری علیه حاکمیت ۳۷/۳ باشد، این سؤال مطرح می شود که آیا برابری نمره مذکور یا برابری تعداد اتفاقات در دو شاخص فوق به معنای یکسانی اهمیت هر یک در کاهش سطح ناامنی جامعه است؟ برای پاسخ به این سؤال راه های متنوعی وجود دارد. به طور مثال، می توان به نظرات عامه مردم یا نظرات نخبگان مراجعه کرد. بدین وصف، مشخص می شود وزن رخداد ناامن ساز و مقایسه وزن رخداد های متنوع با یکدیگر منوط به محاسبه تعداد وقایع و نمره اهمیت آن وقایع است. به همین منظور تعداد و اهمیت هر رخداد محاسبه شد.

جدول ۴: سنجش شدت ناامنی جامعه به تفکیک سال

وزن وقایع (حاصل ضرب نمره استاندارد اصلاح شده تعداد وقایع و نمره اهمیت)		مقادیر / سال
۷۵۴۷۲/۸۸		مجموع ۵ سال اول ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲
۷۶۹۳۹/۹۳		مجموع ۵ سال دوم ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷
۴۹		درصد ۵ سال اول
۵۱		درصد ۵ سال دوم

طبق جدول فوق، ناامنی جامعه در ۵ سال دوم بیشتر از ۵ سال اول می باشد.

جدول ۵: محاسبه سهم انواع ناامنی در ناامنی جامعی بر حسب وزن به تفکیک سال (به درصد)

سال	وزن ناامنی جامعی	اجتماعی	اقتصادی	سیاسی	ارزشی، عرفی و اعتقادی	درصد کل
۱۳۷۸	۱۵۰۸۴/۲۱	۳۴/۱۰	۲۲/۸	۲۷/۵۸	۱۵/۵۲	۱۰۰
۱۳۷۹	۱۵۹۷۸/۴۶	۳۴/۹۳	۲۲/۱	۲۸/۳۶	۱۶/۱۸	۱۰۰
۱۳۸۰	۱۴۲۲۶/۹۴	۲۹/۳۳	۲۳/۹۹	۲۶/۷۴	۱۶/۱۲	۱۰۰
۱۳۸۱	۱۴۴۸۴/۹۲	۳۲/۱۵	۲۵/۵۴	۲۶/۲۸	۱۶/۰۱	۱۰۰
۱۳۸۲	۱۵۶۹۸/۳۴	۳۳	۲۴/۰۸	۲۷/۶۳	۱۵/۲۷	۱۰۰
۱۳۸۳	۱۵۲۷۷/۱۵	۳۳/۲	۲۳/۶۵	۲۶/۰۱	۱۷/۱۲	۱۰۰
۱۳۸۴	۱۵۳۷۵/۵۹	۳۳/۰۲	۲۴/۷۸	۲۷/۴۷	۱۴/۷۱	۱۰۰
۱۳۸۵	۱۵۶۷۰/۲۳	۳۳/۱	۲۴/۷	۲۶/۷۸	۱۵/۳۷	۱۰۰
۱۳۸۶	۱۵۴۵۲/۰۴	۳۲/۲۴	۲۳/۰۳	۲۵/۳۲	۱۶/۸۱	۱۰۰
۱۳۸۷	۱۵۱۶۴/۹	۳۱/۷۵	۲۷/۰۴	۲۵/۴۶	۱۵/۷	۱۰۰
مجموع سال اول	۷۵۴۷۲/۸۸ (۴۹/۵ درصد)	۳۱/۹۶	۲۳/۶۷	۲۷/۰۳	۱۵/۸۲	۱۰۰
مجموع سال دوم	۷۶۹۳۹/۹۳ (۵۰/۵ درصد)	۳۲/۶۷	۲۵/۱۶	۲۶/۲۱	۱۵/۶۷	۱۰۰

طبق جدول فوق، میزان سهم هریک از ابعاد ناامنی از میزان کل ناامنی جامعی طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷ نسبتاً یکسان بوده و بیشترین میزان مربوط به ناامنی اجتماعی، سپس ناامنی سیاسی، اقتصادی و ارزشی، عرفی و اعتقادی است.

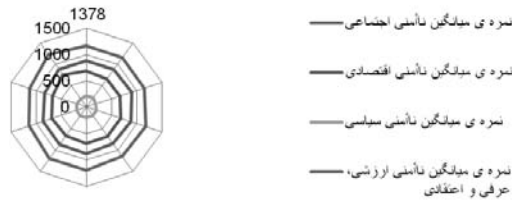
سوم: تحلیل الگوی سنجش

برای ورود به بحث سنجش امنیت می‌توان گفت: امنیت و ناامنی پدیده‌های مستمر و نسبی هستند و وضعیت گسسته‌ای بین امنیت و ناامنی نیست. همچنین ممکن است ناامنی در یک منطقه (در اینجا شهر تهران) با شاخص‌های ناامنی در مناطق دیگر از نظر وقوع رخداد و میزان اهمیت آن متفاوت باشد به همین دلیل، براساس مباحث روش شناختی و با استفاده از اصول

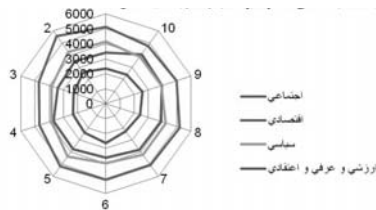
تعریف نظری (مفهومی) تعریف عملیاتی ارائه شد تا ارتباط صحیحی بین مفاهیم و شاخص‌ها بدست آید. در این تحقیق، طبق شاخص‌های تعریف شده، اطلاعات (داده‌های ثانوی) جمع‌آوری شدند تا بتوان وزن ناامنی شهر تهران طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷ به تفکیک هر سال را با استفاده از روش‌های آماری نشان داد. توجه به زمان‌های مختلف بر این نکته تاکید دارد که ناامنی جامعی یک مفهوم مقایسه‌ای است. ناامن بودن (کاملاً ناامن) و داشتن امنیت (کاملاً امن) در شهر تهران در یک زمان خاص معنایی ندارد. به عبارتی، توصیف معنی داری که می‌توان در رابطه با ناامنی جامعی مطرح کرد آن است که ناامنی و امنیت جامعی در شهر تهران را در زمان‌های مختلف به صورت مقایسه‌ای تحلیل کرد. نکته قابل تامل پس از تعیین شاخص‌ها آن است که چه مقداری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی، انحراف از وضعیت عادی تلقی خواهد شد و چه مقداری می‌تواند میزان ناامنی را نشان دهد. این سخن بیانگر آن است که فراوانی جرم یا آسیب‌های اجتماعی لزوماً به معنی ناامنی جامعی بیشتر نیست. اگر وقوع رخداد را بتوان بر اساس الگوی رشد آن در سال‌های گذشته پیش‌بینی کرد به معنای امنیت نسبی است. به زعم دورکیم رشد نامتعارف رقم جرم، بیماری تلقی می‌شود. فرض کنید سرقت مسلحانه در هر سال اتفاق افتاده است. در این خصوص هر شهری یا منطقه‌ای دارای الگوی سرقت مسلحانه خاص خود است. این الگو می‌تواند شامل فقدان سرقت مسلحانه باشد و اثرات ناامن‌کنندگی هر سرقت مسلحانه خاص باید با توجه به همان الگوی سرقت مسلحانه باشد. به هر حال این اصل کلی حاکم است که هر رخداد ناامن ساز که در شهر تهران اتفاق می‌افتد باید با توجه به الگوی همان رخداد در دوره زمانی پیشین ارزیابی شود. این یک نگاه پویا به فرایند ناامنی است^۱ طبق شرح فوق صرفاً تعداد وقایع با یکدیگر مقایسه نمی‌شوند بلکه بر اساس ویژگی‌های زمانی، مکانی، نمره اهمیت وقایع نیز محاسبه شده تا سهم واقعی و عینی‌تر هر رخداد را در تولید ناامنی بدست آوریم. با این تحلیل به مقایسه نموداری ناامنی اجتماعات و رابطه همبستگی بین انواع ناامنی به شرح زیر اشاره می‌شود:

۱- در اینجا ذکر این نکته ضروری است: باید نمره اهمیت وقایع ناامن‌کننده در دوره‌های زمانی کوتاه‌تری اندازه‌گیری شود تا از طریق نظرات کارشناسی میزان انحراف از حالت عادی به صورت عینی‌تری تعیین شود.

نمودار ۱: نمودار مقایسه ای ابعاد ناامنی بر حسب میانگین نمره استاندارد اصلاح شده و به تفکیک سال

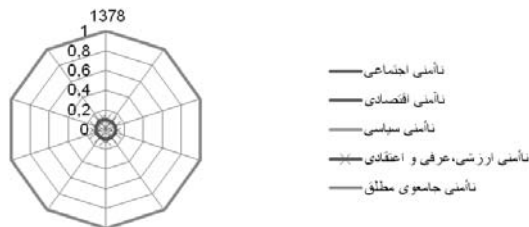


نمودار ۲: نمودار مقایسه ای ابعاد ناامنی جامعی بر حسب وزن و به تفکیک سال



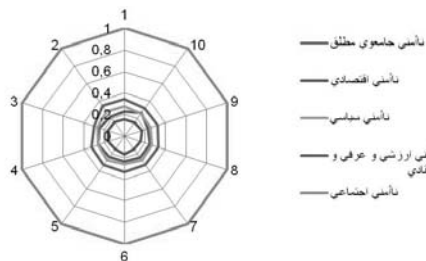
همانطور که نمودارها نشان می دهند^۱ در محاسبه اندازه ناامنی، در نمودار ۱ ناامنی اجتماعی بیشترین مقدار را دارد و پس از آن ناامنی اقتصادی قرار دارد و سپس ناامنی های ارزشی، عرفی و اعتقادی و در نهایت سیاسی جای می گیرند. در نمودار ۲ که بر اساس وزن شاخص ها ترسیم شده، ناامنی اجتماعی بیشترین مقدار و ناامنی ارزشی کمترین مقدار ناامنی را به خود اختصاص داده است و ناامنی سیاسی به جز در سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ دارای وزن بیشتری نسبت به ناامنی اقتصادی است. اگر حداکثر واحد ناامنی در نمودار ۲ طی ده سال گذشته ۶۰۰۰ واحد باشد و حداقل آن عدد صفر باشد میزان ناامنی در هر یک از اجتماعات طی دو دوره ۵ ساله و نسبت آنها با یکدیگر را می توان در نمودار^۲ زیر بهتر مشاهده کرد.

نمودار ۳: نمودار مقایسه سهم درصدی مجموع میانگین نمره استاندارد اصلاح شده انواع ناامنی در ناامنی جامعی و به تفکیک سال



۱- عدد ۱ مربوط به سال ۱۳۷۸ و از سمت چپ به ترتیب تا ۱۰ که مربوط به سال ۱۳۸۷ تحلیل صورت می گیرد.
 ۲- عدد ۱ مربوط به ناامنی در اجتماع اجماعی، عدد ۲ مربوط به ناامنی اجتماع اقتصادی، عدد ۳ مربوط به ناامنی اجتماع سیاسی و عدد ۴ مربوط به ناامنی در اجتماع ارزشی است.

نمودار ۴: مقایسه سهم درصدی انواع ناامنی در ناامنی جماعی بر حسب وزن و به تفکیک سال



دو نمودار فوق یک ده ضلعی را بر حسب درصد به ۱۰، ده ضلعی تقسیم نموده است که هر ده ضلعی ده درصد را به خود اختصاص داده است. نمره اولین ده ضلعی که در مرکز قرار دارد بین ۰ تا ده درصد و نمره آخرین ده ضلعی بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد است. که ده ضلعی نهایی با عدد ۱ (همان ۱۰۰ درصد) مشخص شده است. عدد صفر، امنیت مطلق و عدد ۱، ناامنی مطلق است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ناامنی در اجتماع اجماعی (ناامنی اجتماعی) کمتر از ۳۵ درصد، ناامنی در اجتماع سیاسی کمتر از ۳۰ درصد، ناامنی در اجتماع اقتصادی کمتر از ۲۵ درصد و ناامنی در اجتماع ارزشی کمتر از ۲۰ درصد می‌باشد و باقیمانده فضا به معنای نبود ناامنی است. بر اساس مقایسه نمودارهای فوق این گونه می‌توان استنباط کرد چنانچه بر اساس فراوانی (داده‌های خام) و یا نمرات استاندارد اصلاح شده وقایع ناامن کننده اجتماع مقایسه صورت گیرد سهم انواع ناامنی از ناامنی جماعی به ترتیب مربوط به ناامنی اجتماعی، ناامنی اقتصادی، ناامنی ارزشی، عرفی و اعتقادی و ناامنی سیاسی است. در صورتی که محاسبه شدت ناامنی جماعی بر حسب وزن وقایع انجام شود سهم نمرات انواع ناامنی از ناامنی جماعی به ترتیب مربوط به ناامنی اجتماعی، ناامنی سیاسی، ناامنی اقتصادی و ناامنی ارزشی، عرفی و اعتقادی است. به عبارتی، ناامنی سیاسی که در مرتبه چهارم ناامنی جماعی قرار داشت. بر اساس محاسبه وزن وقایع به مرتبه دوم ارتقا یافته و ناامنی ارزشی، عرفی و اعتقادی که در مرتبه سوم بود به مرتبه چهارم تنزل پیدا کرد و سهم کمتری را در ناامنی جماعی بدست آورد. این جابه‌جایی در مورد ناامنی اقتصادی نیز مشخص است. ناامنی اقتصادی بر اساس محاسبه نمرات استاندارد اصلاح شده در مرتبه دوم از ناامنی جماعی قرار داشت ولی در محاسبه وزن ناامنی، به مرتبه سوم تنزل یافت یعنی سهم کمتری را در ناامنی جماعی به خود اختصاص می‌دهد.

نتیجه گیری

بدین وصف می توان گفت دو رویکرد برای اندازه گیری ناامنی مورد آزمایش قرار گرفت یکی رویکرد فراوانی است که همان شکل سنتی اندازه گیری ناامنی است و در این تحقیق به دلایل ناهم جنس بودن رخدادها و یا واحدهای شمارش آن ها؛ تعداد وقایع امنیتی به صورت نمرات استاندارد اصلاح شده در آمده و سپس در قالب یک شاخص با یکدیگر ترکیب شدند. دومین رویکرد که در این تحقیق پیشنهاد شد رویکرد وزن^۱ نامگذاری می شود. حرف اصلی این رویکرد آن است هر رخداد ناامن کننده ای تحت تاثیر شرایط زمانی، مکانی، ذهنی، روانی و حتی عادت ها و ذائقه های فردی و اجتماعی قرار دارد و برای کشف این دسته از تاثیرات شایسته است به ذهن نخبگان، مردم و تاریخ اجتماعی رجوع کرد و میزان اهمیت و اعتبار رخداد را به دست آورد. به اختصار می توان گفت برای اندازه گیری وزن ناامنی رخدادها باید از دو مؤلفه اساسی تعداد و اهمیت^۲ استفاده کرد.

پیشنهادات

- ۱- یکی از مبانی پژوهش حاضر توجه به نظرات نخبگان در طراحی شاخص ها و تعیین وزن آن ها بوده است؛ اما نخبگان نیز می توانند بر اساس دیدگاه پارتو به دو شکل حاکم و غیر حاکم تعریف شوند.
- ۲- بخش عمده طراحی و تعیین نمره اهمیت شاخص ها با رویکرد حاکمیتی صورت گرفته است و ممکن است فاصله ای بین نظر آنان و مردم عادی جامعه باشد.
- ۳- استفاده از رویکرد وزن در مسئله امنیت جمعی، قابل بهره گیری در سایر تحقیقات جامعه شناسی نظیر حوزه های سیاسی، آسیب های اجتماعی و جرایم، هم چنین مطالعات سیاسی و روانشناسی است.
- ۴- برای انجام تحقیقات با رویکرد وزن، لازم است از آمارهای معتبر که توسط دستگاه های رسمی کشور به طور ثابت و مستمر جمع آوری می شود استفاده کرد.

1- Weight

2- Frequency and Importance

منابع

- ۱- آرون ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، باقر پرهام، تهران، انتشارات و مرکز آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۷۰
- ۲- تنهایی، حسین ابوالحسن، جامعه شناسی نظری، مبانی اصول و مفاهیم (مطالعه ای در باب جامعه شناسی معرفت علم جامعه شناسی)، انتشارات بهمن برنا، تهران، ۱۳۸۲
- ۳- دور کیم امیل، جامعه شناسی تربیتی تاریخ فرهنگ و تربیت در اروپا، محمد مشایخی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱
- ۴- دور کیم، امیل، صور بنیانی حیات دینی: توتم پرستی در استرالیا، باقر پرهام، تهران، نشر مرکزی، ۱۳۸۳
- ۵- دور کیم، امیل، قواعد روش جامعه شناسی، علی محمد کاردان، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات
- ۶- دور کیم، امیل، درباره تقسیم کار اجتماعی: باقر پرهام [ویرایش دوم]، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱
- ۷- روزه گی، جامعه شناس تالکوت پارستر، عبدالحسین نیک گهر، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶
- ۸- غفاری غلامرضا و ابراهیم لویه عادل، جامعه شناسی تغییرات اجتماعی، تهران، انتشارات آگرا و لویه، ۱۳۸۴
- ۹- گیدنز آنتونی، دور کم، یوسف ابادری، تهران، شرکت سهامی، انتشارات خورازمی، ۱۳۶۳
- ۱۰- مورو دوبلن لویی، جامعه شناسی اقتدار، علی سیلاتیان طوسی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵

11- <http://www.ehs.unu.edu/PDF> (Gunter Brauch, Hans and other, Director UNU-EHS, "Source studies of the university: Research, Counsel, Education", Publication Series of UNU-EHS, No.1, 2005)

12- Nachmias, David, Research Methods in the social science, for Edition, 1992.

13- Weaver, Ole and others, Identity, Migration and the New Security Agenda in Europe, London Pinter Publishers, 1993.